بسم الله الرحمن الرحیم

[دلیل پنجم از مبحث اجتماع 2](#_Toc431655058)

[تشریح استدلال مجوزین 2](#_Toc431655059)

[کیفیت وقوع در این مقام 2](#_Toc431655060)

[پاسخ ها در این مقام 3](#_Toc431655061)

[اجوبه اجمالی 3](#_Toc431655062)

[جواب اول 3](#_Toc431655063)

[پاسخ دوم 3](#_Toc431655064)

[جمع بندی 3](#_Toc431655065)

[پاسخ های تفصیلی 4](#_Toc431655066)

[پاسخ اول 4](#_Toc431655067)

[بیان صاحب کفایه در قسم اول 4](#_Toc431655068)

[جمع بندی 4](#_Toc431655069)

# دلیل پنجم از مبحث اجتماع

دلیل پنجم که در کفایه اولین دلیل برای اجتماع امر و نهی است ،توجه به مسأله عبادات مکروهه است ،این دلیل را برخی مثل صاحب کفایه در ضمن اصل بحث قرار داده اند ،برخی نیز عبادات مکروهه چون دارای استقلال و اهمیت است در تنبیهات مسأله و مستقلاً آورده اند و برای هر دو وجه وجود دارد .

از یک جهت این دو دلیل می شود مستمسکی برای ادله مجوزین باشد .و از جهتی در شرع عباداتی مکروهه وجود دارد که در هر صورت چه قائل به امتناع و چه قائل به منع باشیم، نیازمند به تحلیل است که ما طبق مسلک اول جزء ادله مجوزین ذکر می کنیم و کل بحث دارای ارزشی ذاتی است .

# تشریح استدلال مجوزین

مجوزین بر ممتنعین اشکال می کنند که شما ادعا داری که احکام تکلیفی خمسه متضاد است و یک جا قابل جمع نیستند و مشخصاً در امر و نهی گفتید که این اجتماع ممکن نیست .چراکه در اینجا تقابل واضح تری وجود دارد .بنابر این یکی از پایه های امتناع در مورد واحد است و این پایه قابل دگرگونی است و ادل دلیل بر امکان شیء وقوع آن است .

# کیفیت وقوع در این مقام

آنها بدون نیاز به قرار گرفتن در بحث های تحلیلی طولانی، ادعا بر رخ دادن این اجتماع دارند .مانند صوم یوم عاشورا که هم استحباب و هم کراهت دارد .این دو ،دو حکم متقابل هستند هرچند به شدت وجوب و حرمت نمی رسد .موارد دیگر مثل وجوب و کراهت است همانند نماز خواندن در حمام .همچنانکه در برخی نوافل کراهت و استحباب وجود دارد .

مثال دیگر این است که نماز خواندن در مواضع تهمت کراهت دارد که در اینجا کراهت و استحباب یا وجوب تعارض دارند .قاعدتاً این مباحث در قبل از شیخ نیز بوده اما در زمان شیخ و آخوند منقح تر گشته است .

## پاسخ ها در این مقام

به این مسأله دو پاسخ داده شده است ؛

## اجوبه اجمالی

## جواب اول

اگر بحث های قبلی ما را ببینید آنها دارای پایه های محکم عقلی و استقلالی هستند ،لذا باید موارد ظاهری را باید بر آن اساس توجیه کنید همانند**« يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِم»** [[1]](#footnote-1)لذا اشکالات بیان شده با استدلالات محکم بیان شده قابل توجیه است .یعنی امتناع انچنان دارای قوت است که وقوع را باید مورد شک قرار دهید .

## پاسخ دوم

این اشکال بین ما و شما مشترک الورود است ،یعنی هم به امتناعیون و هم مجوزین وارد است .چراکه در اجتماع امر و نهی دو عنوان عام من وجه در دو دلیل مستقل متعلق قرار گرفته اند که این دو عنوان در یک معنون جمع شده اند اما مثال های زده شده مثل صوم یوم عاشورا اینگونه نیست .لذا در اینجا امر و نهی روی یک عنوان مطلق و مقید جمع شده اند.

 یعنی هسته مرکزی هر دو صوم است .همچنانکه این اشکال در امثله دیگر نیز وجود دارد .در حالی که مورد بحث تعدد عنوان و جمع شدن دو مورد بر حسب اتفاق است .لذا ما و شما در موارد عام و خاص اتفاق نظر داریم ، اشکال مشترک الورود است و باید به دنبال راهی برای حل کردن این مسأله باشیم .

## جمع بندی

این دو پاسخ اجمالی بود که در معمول کلمات ذکر شده است .

## پاسخ های تفصیلی

## پاسخ اول

ایشان (مرحوم آخوند) اقسام را در امثله بیان شده به نحو مستقل مورد بررسی قرار می دهد ،مثلاً در صوم روز عاشورا ،هر روز دارای خطابی به خصوص است و برای آن بدلی وجود ندارد .قسم دوم موردی است که نهی به عبادتی تعلق گرفته است که دارای بدل است مانند صلات در حمام که مصداقی از کلی **«أَقِمِ الصَّلاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلى‏ غَسَقِ اللَّيْلِ»[[2]](#footnote-2)**است .

در این دو قسم نهی به خود عبادت تعلق گرفته برخلاف قسم سوم که نهی به ذات عبادت تعلق نگرفته بلکه به موردی تعلق گرفته است که همراه با آن عنوان است همانند نماز در مواضع تهمت .

## بیان صاحب کفایه در قسم اول

در قسم اول صاحب کفایه می فرماید کراهت در اینجا از مقوله کراهت متعارف در حکام خمسه نیست بلکه از مقوله مستحبین مزاحمین است چراکه فعل صوم مستحب است و ترک صوم نیز بر اساس مخالفت با بنی امیه مستحب است .این از مواردی است که در آن فعل و ترک مستحب است و موطن تخییر است .

## جمع بندی

لذا در فعل و در ترک مصلحتی مستقل وجود دارد و در اینجا امر و نهی در مورد واحد با یکدیگر اجتماع ننموده اند که البته در اینجا یک طرف ترجیح پیدا می کند .

مرحوم نائینی به این استدلال جواب داده اند ،آقای خویی بدان جواب داده و افرادی نیز به ایشان جواب داده اند .

1. 1ـ 10/فتح. [↑](#footnote-ref-1)
2. 1ـ 78/ اسراء. [↑](#footnote-ref-2)